

سرشناسه: حاتم، بهزاد، ۱۳۲۸ - | عنوان و نام پدیدآور: مشق شب‌های محمد احصائی / نویسنده بهزاد حاتم؛ ویرایش متن انگلیسی جکلین حق‌شناس، اشلینگ حق‌شناس. | مشخصات نشر: تهران: چاپ و نشر نظر، ۱۴۰۰. | مشخصات ظاهری: ۱۱۸ ص.؛ مصور (بخشی رنگی). | شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۵۲-۳۴۹-۶
وضعیت فهرست نویسی: فیبا | یادداشت: فارسی - انگلیسی. | موضوع: احصائی، محمد، ۱۳۱۸ - | موضوع: خوشنویسان ایرانی -- قرن ۱۴ | موضوع: Calligraphers, Iranian -- 20th century | موضوع: خوشنویسی | موضوع: Calligraphy | موضوع: خط نستعلیق | موضوع: Writing, Nastaliq | شناسه افزوده: حق‌شناس، جکلین، ۱۳۲۳ - | ویراستار | شناسه افزوده: حق‌شناس، اشلینگ، ۱۳۵۳ - | ویراستار | رده بندی کنگره: NK۲۶۳۹ | رده بندی دیویی: ۷۲۵/۶۱۹۵ | شماره کتابشناسی ملی: ۸۴۳۰۱۰۳



© موسسه فرهنگی پژوهشی چاپ و نشر نظر

خیابان ایرانشهر جنوبی، کوچه شریف، شماره ۲

تلفن: ۸۸۸۲۸۱۰۳ - ۸۸۸۴۲۲۹۴ - ۸۸۸۴۴۱۷۸

www.nazarpub.com

info@nazarpub.com



gallery10.tehran@gmail.com

‘مشق شب’های محمد احصائی

نویسنده: بهزاد حاتم

ویرایش متن انگلیسی: جکلین حق‌شناس، اشلینگ حق‌شناس

عکس‌های چهره‌ی استاد احصائی: ژوبین میراسکندری

از همکاری ژوبین میراسکندری در نسخه‌برداری از مشق‌ها سپاسگزاری می‌شود.

طرح جلد و صفحه‌آرایی: گالری ۱۰ ● اجرای طراحی: بابک شاه‌سیاه ● آماده‌سازی و چاپ: چاپ و نشر نظر ● پیش از چاپ: سعید کاوندی ● مدیر تولید: مهدی ابراهیم

تیراژ: ۱۵۰۰ جلد ● چاپ نخست: تهران ۱۴۰۰ ● شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۵۲-۳۴۹-۶

© هر نوع تکثیر، انتشار یا استفاده از تمامی یا بخشی از اثر شامل متن و عکس‌ها و تصویر آثار به شکل فتوکپی، الکترونیکی، عکسبرداری، ضبط و ذخیره در سیستم‌های بازاریابی و پخش ممنوع و قابل پیگرد قانونی است.

کتاب‌های پیشین از گروه دیدار هنرمند:

۱- نگاهی از بیرون (عکس‌های ژوبین میراسکندری)

۲- یادداشت‌های روزانه (نقاشی‌های سروناز علم‌بیگی)

۳- گنج باز یافته (عکس‌های پنجاه ساله‌ی محمد احصائی از موزه‌های جهان)

شماره دوم

این کتاب درباره‌ی خط و خوش‌نویسی نیست. درباره‌ی فروتنی و شیفتگی‌ست. آنچه در اندک نوشته‌ی این کتاب خواهید خواند بیشتر درباره‌ی خط و خوش‌نویسی‌ست، که می‌توان درباره‌اش سخن گفت. از فروتنی و شیفتگی، جز بر زبان آوردن واژه‌هایشان، چندان نمی‌توان گفت. این کتاب، آنچه این کتاب را پدید آورده، بختی‌ست، بخت من، برای به چشم دیدن فروتنی و شیفتگی، دیدار پشتکار، کوشایی، دست ورزیدن، آرمان‌خواهی. این همه، نزد آن که در آغاز راهست، آن که شاگردی می‌کند، آن که آرزوی بلندپروازی دارد، به‌جاست. استاد پرآوازه‌ای که در بلندای آسمان آرمانی خوش‌نویسی و هنر در پرواز است چرا اینک دسته‌دسته برگ‌ها را به مشق سیاه می‌کند؟

اگر بخواهیم از میان استادان خوش‌نویس همه‌ی روزگارهای ایران به اندازه‌ی انگشتان دستانمان بهترین‌ها را برگزینیم، محمد احصایی بی‌گمان در این شمار جای می‌گیرد. و اگر از من بپرسید، جایی دارد یگانه. چون احصایی افزون بر بایسته‌های خوش‌نویسی، چیزی دارد که گذشتگان نمی‌توانستند داشته باشند و اینک در روزگار ما هم خوش‌نویسی دیگر را با آن نمی‌شناسم؛ شناخت بنیادین فرهنگ امروزی. و این چیزی‌ست که به احصایی توانایی آن را بخشید که در همان آغاز راهش جایگاهی یگانه و فراتر از یک خوش‌نویس بیابد. احصایی نقاش شد. توانست با رها کردن دستش و سپردن آن به دانش امروزش، تابلوهای آبستره‌ی درخشانی بیافریند که

همواره افسوس می‌خورم که می‌توانم بخوانمشان. دلم می‌خواهد آن‌ها برایم به ناخوانی خوش‌نویسی چینی بودند و می‌توانستم به آن‌ها چون یک نقاشی آبستره نگاه کنم. خواندنی بودن به آن‌ها باری می‌دهد که در نقاشی نیست. شاید در داوری نیز جایی بیابد.

گروه بزرگ «الله»های احصایی که در آغاز دهه‌ی ۱۳۵۰ آتشفشانی در بستر هنر هم‌روزگار ایران بود، در همان گام‌های نخست کار او، هنرمندی را به نمایش گذاشت با شناختی درست و بسنده از ریخت و رنگ و بافت و ساختار و آهنگ آنچه بر کاغذ یا بر بوم می‌آورد.

پیش از احصایی کسانی خط را در نقاشی‌هایشان به کار برده بودند، ولی آنان همه «خط را در نقاشی‌هایشان به کار برده بودند»؛ کسانی دیگر نیز به گونه‌هایی دیگر با خط کار کردند یا از آن یاری گرفتند. رضا مافی توانست نمونه‌ای بسیار درخشان باشد از یک خوش‌نویس آیینی. فرامرز پیلارام نمونه‌ای دیگر به دست داد از پدید آوردن تابلوهای رنگی با نوشته. هنرمندانی دیگر نیز بر این راه رفتند و زمینه‌ی نقاشی‌خط را در هنر ایران پدید آوردند، با کارهایی که شمار بسیار برجشان بسیار ناهنرمندانه و ناآفرینشگرانه است و از اندازه‌ی بسیار کوتاه کاردستی یا صنعت‌گری فراتر نمی‌رود. آن که بسیار پیروزمندانه توانست در یک رشته کار بسیار درخشانش از ریخت الفبا همچون نشانه‌هایی بهره بگیرد و با آن‌ها تابلوهای بسیار با ارزش، هنرمندانه و آفرینشگرانه به دست دهد شارل حسین زنده‌رودی است. و در کنار این همه، شناخته شده‌ترین شمایل فرهنگی (نه دینی) ایرانی که زاده‌ی هنر روزگار ماست، هیچ تناولی است، یک واژه، با خط پارسی. شاید رفتار تناولی و زنده رودی با خط به گونه‌ای نزدیک‌ترین باشد به رفتار احصایی با خط در نقاشی‌هایش، هر چند که در کار احصایی خط، ناخوانا هم که باشد، همچنان خط می‌ماند.

احصایی نوشت «الله»، خوانده هم شد، ولی آنچه در چارچوب تابلوی او بود، یک نقاشی بود، با همه‌ی ویژگی‌هایی که از یک نقاشی می‌خواهیم. اگر از پای این نقاشی‌ها امضایش را برداریم، و از سر خویش دانش زبان را، می‌توانیم بچرخانیمشان و از هر سویی که می‌خواهیم بیاویزیمشان. چند سال پس از او صادق بریرانی در یک رشته کار که از هر آنچه دیگر که از او دیده‌ام بهتر و با ارزش‌تر است توانست چند گامی

در این راه بردارد. کارهایش رفتارهایی نقاشانه با خط بود که ولی چندان به نقاشی نزدیک نشد. می‌دانم که او نیز برای دست یافتن به آن آزادی‌ای که دست و سرش برای چنان کاری نیاز داشت، روشی به کار گرفت که به گونه‌ای با روش کار احصایی همانندی دارد. درباره‌ی روش احصایی خواهیم گفت.

آنچه احصائی افزون بر یک خوشنویس داشت، چیزی دیگر افزون بر نقاشی هم به زندگی کاری او افزود. در همان سال‌های نخست کارش، معمار درخشان ایرانی منوچهر مقتدر (۱۳۹۳-۱۳۱۰) که ساختمان دانشکده‌ی الهیات را طراحی کرده بود، از احصائی خواست که دیوار تالار همایش‌های دانشکده را با کار خود بیاراید. احصائی اینجا نیز گامی بسیار بلندتر از آن که در توان یک خوشنویس است برداشت. او سراسر دیوار را با نمایی برجسته، پدید آمده از پاره‌های سفالین در اندازه‌ی بیست در ده سانتی‌متر پوشاند. روی هم چهارصد متر مربع را. کاری بسیار بلندپروازانه و توان فرسا که پیروزمندانه بودن هیچ گامش پیش‌بینی پذیر نبود. احصائی چنین کاری را با سربلندی به پایان رساند. دیواری بزرگ پوشیده از نمایی برجسته و چند لایه از نگاره‌هایی برگرفته از خط ثلث.

اینک از این‌ها بگذریم و درباره‌ی خوش‌نویسی بگوییم. احصایی خوش‌نویس، خوش‌نویسی‌ست که هنر جهان را به درستی می‌شناسد. در موزه و گالری بزرگ شده است، در دانشکده‌ی هنرهای زیبا هم شاگرد بوده است و هم پس‌تر استادی با دانش آکادمیک روز که خط آموزش داده است. پس او چشمی دارد که به او این توانایی را می‌دهد که خط را به گونه‌ای ببیند که دیگر خوش‌نویسان، که چنین ویژگی‌هایی ندارند، نمی‌توانند.

اگر از دوش خط بار بازگویی را بردارند، خود می‌شود آمیزه‌ای از منحنی‌ها که درستی و زیبایی و پیوندشان با هم و هم‌نشینی و هم‌آهنگی‌شان می‌تواند در گستره‌ی یک نمای نقاشی‌گونه و از سوی دیگر یک نمای گرافیکی بگنجد و دیده شود و داوری شود. دانستن و دست یافتن به این ویژگی‌هاست که در توان احصایی است و او را در یک داوری از سوی چشمی که این ویژگی‌ها را بشناسد و بخواهد، برنده می‌کند.

روزی در یک کلاس حافظ خوانی از همه‌ی آنان که دیوانی خوش‌نویسی شده داشتند